



نظریه «عاملیت
انسان» در
کلاس درس

خودارزیابی و در دسرهايش!

نرگس سجادی*

لحظه، گویی همه شوقها و ذوقها به فضای سنگینی توأم با تأمل و پروا تبدیل می‌شود. حالا این اوست و برگه‌اش! دارد غلطش را نگاه می‌کند. ۵ به توان ۲ را نوشته است ۱۰. با خودش فکر می‌کند، چقدر خام بوده که تصور می‌کرده ندیده انگاشتن غلطش کار آسانی است! دلش می‌خواهد نمره کامل سؤال را به خودش بدهد، اما گویی دستش به نمره دادن نمی‌رود. انگار نوعی لختی در بدنش حس می‌کند. در همین فکرهاست که هم‌نیمکتی‌اش، رضا، می‌پرسد: «مهدی! قسمت دوم سؤال اول چند نمره داره؟ من غلط دارم توش!» سرش را از روی برگه‌اش می‌چرخاند سمت برگه مهدی! می‌بیند مهدی از بخش اول هم نیم نمره از خودش کم کرده است. می‌پرسد، «مهدی! تو بخش اول را به خودت نمره ندادی!»

نه، حیف شد! اینجا جمع آخر را یادم رفته بود بنویسم. ببین، آخه مقدار اولیه هم داشته این X! دوباره در هیاهوی بچه‌ها به سکوت درونش فرو می‌رود. چه امتحان سختی است! انگار از معادلات چندمجهولی هم سخت‌تر است! اصلاً چرا آقا گفت خودتان برگه‌ها را صحیح

بارها و بارها دلش خواسته بود برگه امتحانش را خودش ارزیابی کند. با خودش گفته بود چقدر خوب می‌شد آدم بتواند برگه‌اش را خودش تصحیح کند، از غلط‌هایش چشم‌پوشد و یک نمره توپ برود پایین برگه و توی کارنامه! حتی در خیالش، خودش را تصور کرده بود، در حالی که عینک معلم را به چشم زده و دارد برگه خودش را با خشنودی تصحیح می‌کند.

حالا امروز آقای معلم گفته بود بچه‌ها برگه‌های امتحان امروز را خودتان تصحیح کنید؛ هر کس برگه خودش را. و او که حالا پس از یک آزمون دشوار ریاضی، حس می‌کند همه ملاط‌ذهنش را خالی کرده است، چشم‌هایش از خوش‌حالی برق می‌زنند. یادش که به غلط‌هایش می‌افتد، در دلش قند آب می‌شود.

مهدی! حالا وقتش است. بالاخره آرزویی که انتظارش را می‌کشیدی برآورده شد!

بعد از شلوغی کلاس و تقسیم برگه‌ها، لحظاتی کلاس ساکت می‌شود. برگه هر کس مقابلش قرار گرفته یا بهتر بگوییم هر کس مقابل برگه‌اش قرار گرفته است. در همین

*عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



کنید؟ با خودش کلنجار می‌رود. می‌داند که اشتباه در جواب ۵ به توان ۲ باعث می‌شود بقیه بخش‌های مسئله هم اشتباه حل شوند و پاسخ‌ها غلط در بیایند. با خودش می‌گوید، اما من فقط اندازه ۲۵ صدم اشتباه کرده‌ام! نمره را می‌دهد و می‌رود سراغ سؤال بعدی.

همین‌طور که دارد راه‌حل را دنبال می‌کند، صدایی درونش می‌گوید: اگر آقا معلم هم برگه را دوباره ببیند، همین نظر را خواهد داشت؟ واقعاً آدمی که هر سه پاسخ سه بخش سؤال را اشتباه در آورده، باید ۲ و ۷۵ صدم از ۳ نمره بگیرد؟ خیلی عادلانه تو!

این گفت‌وگوهای درونی ره‌ایش نمی‌کنند. دلش می‌خواهد برود برگه را بدهد دست معلم و خلاص!

سؤال دوم درست است: نمره کامل! انگار یکی چشم‌هایش را می‌خکوب کرده و اجازه نمی‌دهد برود سراغ سؤال سوم! یکی درونش می‌گوید: تکلیف سؤال

اول را روشن کن! تکلیف خودت را با خودت روشن کن! واقعاً تو همان مهدی منصف و عادلانه که در دلت به اخلاقی بودن افتخار می‌کردی؟ اگر بچه‌ها در حال تماشایت باشند، باز هم این جور نمره می‌دهی به خودت؟

کم‌کم بغض ته گلویش را حس می‌کند و نم‌اشکی را که ته چشم‌هایش حلقه زده است. خودکار را محکم در دست می‌گیرد و کنار آن ۲/۷۵ می‌نویسد ۱- زیرش می‌نویسد ۱/۷۵ و یک دایره دورش می‌کشد. نفس عمیقی می‌کشد و همه تنش و اضطراب حبس شده در بدنش را با بازدمی طولانی بیرون می‌دهد. سرش که از روی برگه بالا می‌آید، آقا معلم را می‌بیند که بالای سرش ایستاده و با لیخندی آرام و رضایتمندانه به برگه‌اش چشم دوخته است. ته دل احساس پیروزی می‌کند! با افتخار به ۱/۷۵ خیره می‌شود و به موفقیتی می‌اندیشد که در این امتحان دومی به دست آورده است. آقا معلم آرام و با اشاره می‌گوید: «مهدی زود باش! سه تا سؤال دیگه هنوز موند!»

رویکرد اسلامی عمل، با به رسمیت شناختن عاملیت دانش‌آموز در ارزشیابی، بر خودارزیابی تأکید می‌کند. خودارزیابی با تمرکز بر خود دانش‌آموز، بستری را فراهم می‌کند تا دانش‌آموز با خود خویش مواجه شود و در فرایندی درونی خودش به اصلاح خویش بپردازد. در این فرایند، دانش‌آموز با رها شدن از هنجارها، بایدها و نبایدها، فشارها و رودربایستی‌های بیرونی، به صورت مستقیم، در نسبت با خویش قرار می‌گیرد و می‌تواند به دور از هیاهوهای عرفی و خوب و بدهای اجتماعی، به تماشای خود بنشیند. این تماشای مستقیم، بی‌واسطه و حقیقی، از ابعاد مختلف در تربیت اهمیت دارد. از منظر نخست، این تماشایی می‌تواند بدفهمی‌ها، توهم‌ها و خودپنداری‌های مجازی فرد از خویش را برملا سازد. در این حالت، گویی فرد همه آینه‌های مقعر و محدب پیش روی وجودش را کنار می‌گذارد و به آینه تخت واقع‌نمایی چشم می‌دوزد که خودش را بی‌کم و کاست پیش‌رویش به نمایش می‌گذارد. از منظر دوم، این مواجهه مستقیم می‌تواند با به تصویر کشیدن بی‌پیرایه خویش‌تن، فاصله موجود و مطلوب دانش‌آموز را به خوبی به خود او نشان دهد و انگیزه و طلب او را برای اصلاح خویش دوچندان سازد. این تماشایی مستقیم، به‌ویژه در دنیای کنونی ما که از نمایش‌های توهم‌انگیز مجازی، هنجارهای عرفی بیگانه از آدم‌ها و حصارهای بیگانه‌ساز بیرونی مملو است، فرصت غنیمتی

است که معلمان می‌توانند به شاگردان خویش هدیه دهند. اینکه این خودارزیابی چگونه انجام شود تا این فرصت خلوت با خویش در آن ساخته شود، چالش بزرگی است که معلم با آن مواجه است. گاه این خودارزیابی خود به نمایشی مضحک تبدیل می‌شود که به‌گونه‌ای بی‌روح در کلاس اجرا می‌شود و نمی‌تواند تا عمق وجود دانش‌آموزان نفوذ کند. صداقت و بی‌پیرایگی معلم، واقعی بودن جریان خودارزیابی، مداخله نکردن‌های بی‌دری معلم در جریان خودارزیابی دانش‌آموزان، فاصله گرفتن وی از دانش‌آموزان برای شکل گرفتن فضای خلوت با خویش و نیز پرهیز از دادن بازخوردهای آنی و سریع، عواملی هستند که می‌توانند مواجهه مستقیم دانش‌آموزان با خویش را تسهیل کنند. در فاز دوم این مواجهه، مداخله‌های به‌هنگام معلم، حضور وی برای گفت‌وگوی دانش‌آموزان درباره تردیدها و چه‌کنم چه‌کنم‌هایشان و نیز امیدبخشی وی برای اصلاح، می‌تواند دانش‌آموزان را از تله‌های تردید، ناامیدی و بدبینی به خویش‌تن رها سازد و جریان دست‌ورزی دانش‌آموزان با خویش را به جهتی مثبت هدایت کند.

تجربه شما از خودارزیابی دانش‌آموزان چیست؟ آیا تا به حال در ارزشیابی‌هایتان مواردی از خودارزیابی را آزمون کرده‌اید؟ از نگاه شما خودارزیابی در کلاس با چه دشواری‌هایی مواجه است؟ پیشنهادی برای برون‌رفت از آن‌ها دارید؟

